

● سرمقاله

## ● اندر گسست

### زنجیرهای خرافه

در نص کلام الهی آمده است که: یکی از هدفهای والا و مهم رسالت پیامبر خاتم (ص) برداشتن زنجیرهای خرافه از دست و پای انسانها در طول تاریخ است. قرآن، به عنوان نهایی ترین پیام الهی برای انسانها، بارها و بارها، به مناسبتهای مختلف و از زوایای گوناگون، به فلسفه بعثت انبیا و رسالت رسول خاتم (ص) پرداخته است و از این میان در سوره اعراف، با بیانی ویژه، پنج هدف مهم را برای شریعت و معارف اسلامی و رسالت محمدی بر شمرده است:

«الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْإِغْلَالَاتِ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُقْلِحُونَ.»

آنان که از فرستاده خدا، پیامبر امی - درس ناخوانده در مکاتب بشری و خط ناخوانده از کتابهای آسمانی پیشین - پیروی می کنند، همان پیامبر که نامش را در تورات و انجیل خود نوشته می یابند، پیامبری که آنان را [۱] به نیکی فرا می خواند [۲] از زشتیها بازشان می دارد، [۳] و آن چه را پاکیزه است بر آنان حلال می شمرد [۴] و آن چه را ناپاک و آلوده است بر آنان حرام می سازد [۵] و بارگران

[پیمانهای غلط و پیامدهای سنگین رفتار گذشته آنان] را از  
دوش شان برمی دارد و بند و زنجیر [خرافه ها، باورها و عقاید  
پوچ] را از آن می گشاید.

پس آنان که به او ایمان آوردند و حرمت اش را نگاه داشتند و  
یاری اش کردند و از آن کتاب که بر او نازل کرده ایم پیروی  
نمودند، رستگاران راستین اند.

جمله مورد نظر این نوشته، عبارت پنجم است: «و یضع عنهم اصرهم و  
الأغلال التي كانت عليهم»

«اِصْر» آن گونه که اهل لغت یاد کرده اند، عبارت است از: «ثقل»<sup>۲</sup> و یا  
«العهد الثقیل»<sup>۳</sup> و به تعبیر مفردات راغب: «الإصر، العهد المؤکد الذی یثبط ناقضه عن الثواب والخیرات»<sup>۴</sup>

«اِصْر» به معنای پیمان و تعهد مؤکدی است که پیمان شکن را از  
پاداش و خیر باز می دارد.

و در کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» آمده است:

اصل ماده: «اِصْر» به معنای حبس اکید و پای بندی شدیدی است  
که باعث می شود فرد در امور معنوی زمین گیر شود.

منظور قرآن از «یضع عنهم اصرهم» این است که پیامبر گرامی اسلام

(ص) فرستاده شده است تا سختیها، تنگناها و زحمتها و ابتلاءات

معنوی و پای بندیهای نادرستی که چونان زنجیر بر دست و پای

امتهای پیشین بسته شده است و به صورت تکالیف عبادی مشقت بار

و عادات پست و رفتار نادرست درآمده است، از میان بردارد.<sup>۵</sup>

در تفسیر اعراب القرآن، از تفاسیر ادبی قرن چهارم، در ذیل آیه چنین آمده

است: «... و یضع عنهم اصرهم و الأغلال التي كانت عليهم»

«و اصله فی اللغه الثقل و هو ما تعبدوا به مما یثقل...»  
 منظور از بارهای سنگین و دشوار، باورهای دینی و اعتقادی است که پیروان ادیان پیشین بدان متعبد و پای بند شده بودند و همراه با مشقت و دشواری بود.

علامه طباطبائی در تفسیر المیزان ذیل آیه چنین آورده است: «اسلام تمامی احکام پر مشقت و قرار داده شده بر اهل کتاب، بویژه یهود را نسخ کرد، چه آن تکالیفی که علمای آنان برای مردم تکلیف ساخته بودند و چه بدعتهایی که اجبار و رهبان جعل کرده بودند.»

### خرافه‌ها، زنجیری بر گردن ملت‌ها

مطالعه در تاریخ ملت‌ها نشان می‌دهد که کم‌تر جامعه‌ای را می‌توان یافت که در آن آداب و رسوم خرافی، غلط و زیان‌بار و غیر عقلایی و دست‌کم خیالی و بی‌فایده، راه نیافته باشد.

البته جامعه هر چه بدوی‌تر و بیگانه‌تر با فرهنگ و دانش باشد، این خرافه‌ها به شکل‌های دشوارتر و زشت‌تری در آن رواج داشته و خواهد داشت. داستان خرافه در میان ملت‌ها و تنوع و گوناگونی و نمودهای آن به قدری زیاد است که اگر گردآوری شود، چندین کتاب قطور را شکل خواهد داد و البته وقتی ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن خود، قسمتهایی از آن را که مربوط به جهان مسیحیت است گردآورده، خود بخش حجیمی را شکل داده است. این در حالی است که در تمدن‌های هندی و چینی و مصر باستان و ایران باستان، پیش از آن می‌توان شاهد باورها و اعتقادات و آداب و رسوم بود که برآستی چون زنجیری بر دست و پای ملت‌ها پیچیده بوده است و معیشت را بر آنان تنگ کرده و استعداد‌های آنان را به هدر داده است.

کم نبوده اند مردمی که برای آمدن یاران، انسانها را قربانی می کرده اند و یا کودکان را زنده زنده در آتش می افکنده اند و در صورتی که جمجمه کوچک در آتش منفجر می شد و صدای انفجار آن بیش تر بود، آن را نشانه پذیرش قربانی و فروکش کردن خشم شیطان می پنداشته اند.

تعظیم در برابر بت‌های دست ساخته بشر، تقدیم هدایا به پیشگاه مجسمه‌ها و تندیسها، صرف امکانات مادی و معنوی در طریق باورها و رسوم غلط و تخدیر کننده و... همه و همه، نمونه ای از خرافه‌هایی است که به صورت گسترده، بخش‌های بزرگی از جوامع پر جمعیت جهان را به خود مشغول داشته است.

و شگفت این که در عصر حاضر، با همه گستردگی ارتباطات و اطلاعات و پیشرفت‌های ظاهری ساحت مادی زندگی جوامع صنعتی، هنوز که هنوز است، خرافه‌ها به شکل‌های مختلف مورد اقبال است و حتی به صورت بسته‌های فرهنگی به سایر جوامع نیز صادر می شود. خودزنی و آسیب زدن به جسم و قوه زنی در جوامع غربی برای تقرب به مسیح، رفتار خشن و غیر انسانی با جسم خود و دیگران، تحت عنوان شیطان پرستی و ده‌ها فرقه ضد عاطفی و ضد بشری دیگر، نمودهای بارز خرافه گرایی انسان مدرن در عصر حاضر است.

#### بسترهای گرایش به خرافه

مهم ترین بستر گرایش به خرافه، کوتاه بودن دست ملت‌ها از علم و حقیقت است. انسانها زمانی که حقیقت را نیابند، به افسانه رو می آورند، خیال بافی می کنند و در این افسانه سرایی و خیال بافی، دو قشر عمده میدان داری و نقش آفرینی می کنند:

۱. سیاهی لشگری که از تفکر قوی، بینش و قدرت تحلیل مسائل بی بهره‌اند و جریان عمومی به هر سمت گرایش یابد، آنان نیز همراه آن می‌روند.

۲. گروه اندکی که خود اعتقادی به خرافه‌ها ندارند، اما از آن‌جا که منافع اقتصادی و اجتماعی آنان در گرو رواج خرافه‌هاست، نه تنها با خرافه‌ها نمی‌ستیزند که آنها را ترویج نیز می‌کنند.

علی (ع) از گروه نخست چنین یاد کرده است:

«همج رعاع، اتباع کل ناعق یمیلون مع کل ریح، لم یستضیوا بنور العلم ولم یلجئوا الی رکن وثیق»<sup>۷</sup>

چونان انبوه مگسان، در پی هر صدایی و هر بادی روانند، اینان از نور دانش، بهره نمی‌گیرند و بر تکیه گاهی مطمئن و استوار، اعتماد نمی‌کنند! و قرآن از گروه دوم چنین یاد کرده است:

«فویل للذین یکتبون الکتاب بایدیههم ثم یقولون هذا من عندالله لیشرؤا به ثمناً قليلاً...»<sup>۸</sup>

پس وای بر آنان که با دست‌ان خویش مطالبی را می‌نویسند و می‌گویند: این از نزد خداست و هدف‌شان از این کار به دست آوردن بهایی اندک است.

بیش‌تر افکار و اندیشه‌های خرافاتی که در میان ملت‌ها و ادیان آسمانی و غیر آسمانی رواج یافته است، یا منشأ آن متکفلان امور مذهبی و اعتقادی و دینی مردم هستند و یا با سکوت خود در برابر خرافه‌ها و بدعتها و اندیشه‌های غلط، مهر صحت بر آن زده و در طول زمان، آن را در شمار سنت‌های پذیرفته شده دینی و فرهنگی جای داده‌اند.

«سامری» در آیات قرآن و گزاره‌های قرآنی، چنین نقشی را برعهده دارد و

اوج این بدعت گذاری و خرافه پرستی را به نمایش گذاشته است.

«... فَكَذَلِكَ الْقَى السامریُّ فَأَخْرَجَ لَهُمْ عَجَلًا جَسَدًا لَهُ خَوَارِجٌ»

فَقَالُوا هَذَا الْهَكْمُ وَاللهُ مُوسَى قَتْسَى<sup>۹</sup>

پس این چنین سامری، زیت‌های بنی اسرائیل را در آتش افکند و

برای شان تندیس گوساله ای که نعره گاوان داشت، بساخت. او و

همدستان اش گفتند: این خدای شما و خدای موسی است، اما موسی

از وجود چنین خدایی غفلت کرده و گرفتار فراموشی شده است!

در جای دیگر، قرآن عامل بدعت گذاری و خرافه پردازیهای دینی را

علمای ادیان دانسته و فرموده است: این عالمان چنان در حق و باطل مورد

اعتماد و اتکای مردم قرار گرفتند که گویی پروردگار مردم اند.

«اتخذوا احبارهم و رهبانهم ارباباً من دون الله»<sup>۱۰</sup>

یهودیان و مسیحیان، احبار و رهبان خود را به جای خدا، به

پروردگاری گرفتند.

شیخ الطائفه، محمد بن حسن طوسی در تفسیر شریف التبیان فی تفسیر

القرآن، ذیل آیه این حدیث را آورده است:

«روی عنه، صلی الله علیه و آله، ان معنى اتخاذهم ارباباً انهم

قبلا منهم التحريم و التحليل بخلاف ما امر الله تعالى. و هو

المروى عن ابی جعفر و ابی عبد الله، علیهما السلام.»<sup>۱۱</sup>

از رسول خدا (ص) روایت شده است که منظور آیه از به پروردگاری

گرفتن احبار و رهبان این است که مردم حرام و حلال را بر اساس نظر

سجده فیهما بدان آنان - و برخلاف امر الهی - می پذیرفتند. و البته این روایت از امام

باقر و امام صادق، علیهما السلام، نیز نقل شده است.

شایان یاد است که خداوند در آیات دیگر انگیزه مردم را از پیروی کورکورانه

پیشوایان خود و نیز انگیزه عالمان را از انحراف افکنی در دین یاد کرده است. علامه طباطبائی در المیزان نوشته است: «با این که مسأله معاد مورد انکار ادیان آسمانی نیست، اما در تورات کنونی، خبری از معاد وجود ندارد.»<sup>۱۲</sup>

عالمان یهود به تحریم حلال‌های الهی و تحلیل حرام‌های او احترام نکردند، چنان‌که بخشی از آن در سوره بقره و نساء آمده است. از سوی دیگر مسیحیان، قائل به حلال بودن شراب و گوشت خوک شده‌اند، در حالی که حرمت آن دو در شریعت موسی و عیسی و محمد (ص) به اثبات رسیده است.

این رخصت‌ها، برای توده مردم جاذبه دارد و انگیزه آنان را برای حمایت بی‌چون و چرا از عالمان خود می‌نمایاند. از سوی دیگر، انگیزه عالمان در سخن گفتن به میل مردم و برخلاف دین الهی در این آیه آمده است.

«ان کثیراً من الاحبار و الرهبان لیاکلون اموال الناس بالباطل»<sup>۱۳</sup>

بسیاری از اجبار و رهبان، اموال مردم را به ناروا تصرف کرده و مورد بهره‌برداری قرار می‌دهند.

بنابراین، یکی از انگیزه‌های مهم عالمان ادیان در ترویج خرافه‌ها و بدعت‌ها و سکوت در برابر انحرافها، مناسبات مادی و دستیابی به ثروت مردم است.

### مسئولیت عالمان دین در مبارزه با خرافه‌ها

آیاتی که از قرآن در زمینه بسترها و عوامل خرافه‌پردازی و انحراف انگیزی در عقاید و اندیشه‌های دینی آوردیم، اگر چه بسیار کم‌تر از مجموعه آیاتی است که در ارتباط با این موضوع در قرآن آمده است، ولی همین چند آیه و چند نکته

می تواند هشداری باشد به همه عالمان ادیان، یهودی، مسیحی، زرتشتی و یا مسلمان، سنی و یا شیعی، چرا که بر اساس نظر تحقیق، آیات قرآن، گرچه بسیاری از مطالب و معارف خود را در قالب گزاره ها و داستانها و نقلها آورده است، اما هرگز پیام آن محدود به موارد خاص نبوده و به برهه خاصی و نسل خاصی منحصر نشده است.

چنان که در برخی روایات به این حقیقت تصریح شده است که همه آن چه در دین مسیح و یهود رخداده است در امت پیامبر اسلام (ص) نیز رخ خواهد داد.<sup>۱۴</sup>

بر مبنای این تحلیل، جا دارد که اهل پژوهش این موضوع خاص را در قرآن مورد بررسی قرار دهند و مواردی را که قرآن به عنوان انحرافها، کژیها، بدعتها و باورها و خرافه های اهل کتاب بر شمرده است، استقصا کنند و سپس همان نوع مشکلات را در جوامع اسلامی و در میان امت پیامبر خاتم (ص) مورد بررسی قرار دهند، تا از این رهگذر، امت اسلامی در باورها، رفتار و بینشها و نگرشهای خود بازنگری کند، تا مبادا به انحراف کشیده شده باشد!

و البته در این میان، تکلیف عالمان اسلامی روشن تر است، چرا که آنان عهده دار پاسداری از قلمروهای اعتقادی و دینی مردم شده اند و بدین کسوت درآمد و سرمایه های اجتماعی و دینی و فرصتهای علمی و حوزوی و جایگاهها و کرسیهای درسی و تبلیغی را به خود اختصاص داده اند!

این بهره ورها، باید ثمربخشیهایی را به دنبال داشته باشد، تا عالمان دین مخاطب این کلام امام قرار نگیرند:

«وَلَيْكُمُ عِلْمَاءُ السُّوءِ! الْاَجْرَةَ تَأْخُذُونَ وَالْعَمَلَ لَا تَصْنَعُونَ،

یوشک ربُّ العمل آن یطلب عمَلَه». <sup>۱۵</sup>

وای بر شما ای عالمان ناشایست! اجرت را دریافت کرده، ولی



عمل به وظیفه نمی کنید! دیری نخواهد پایید که صاحب عمل به مطالبه برخیزد و شما را مواخذه کند!

### گستره خرافه ها در جوامع اسلامی

چنان که گفته آمد، خرافه های امروز در پوشش عناوین جدید و مدرن در جوامع غربی و غیر اسلامی وجود دارد که خود نیازمند گردآوری و تحلیل است، اما ما به دلیل مسؤولیتی که در مرحله نخست نسبت به جوامع اسلامی داریم، نگاه مان را تنها به گستره خرافه ها در این جوامع معطوف می داریم. خرافه های که در میان مسلمانان و ملت های مسلمان رواج دارد، در هر محیط اجتماعی و فرهنگی و جغرافیایی و مذهبی متفاوت است، ولی همه آنها از جهتی به دو بخش قابل تقسیم است.

۱. خرافه های صوری و سطحی و جزئی

۲. خرافه های بنیادی و عمده و فراگیر

خرافه های جزئی و سطحی، مثل اعتقاد به نحوست برخی روزها یا ماه ها، و طیره، یا فال بد زدن، پای بندی به روایات و نقل های ضعیف در زمینه مسائل جزئی که با عقل و علم بدیهی سازگاری ندارد و ... . خرافه های بنیادی، مثل توسل و توجه به جمادات برای برآورده شدن حاجات، توسل به خودزنی و زیان وارد کردن بر خویش برای جلب عنایت اولیای الهی، اعتقاد به واجب اطاعه بودن حاکمان، علی رغم ظالم بودن و ارتکاب محرمات و ... .

وظائف عالمان دینی، مبارزه با هر دو نوع خرافه گرایی در میان عوام و خواص است و بدیهی است که مبارزه با نوع دوم ضروری تر و دشوارتر است، زیرا معمولاً خرافات کلان و بنیادی دامن گیر کسانی می شود که از نوعی



ظاهرگرا هستند.

البته باز معنای این سخن، این نیست که در میان اهل سنت افرادی حضور نداشته اند که به کلیت معارف اسلام بیندیشند و با نگاه عمیق تری به مسائل دین توجه کنند؛ بلکه منظور این است که جریان کلی و عمده در میان اهل سنت، فارغ از دقت‌های عقلی و تأملات جدی در ساحت معارف قرآن و سنت نبوی است و بیش‌تر به سندشناسی تکیه دارد، تا فقه الحدیث و نقد محتوایی احادیث روزی که جریان وهابیت در سرزمین حجاز سربرآورد و باروشهای مختلف، سیطره خود را بر جهان اهل سنت گستراند، پاره‌ای جریانهای انقلابی و تحول خواه که از خرافه‌گرایی، جمود اندیشی، عقب ماندگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی جوامع اسلامی نگران بودند، جریان وهابیت را، حرکتی نوگرا، رو به جلو، آزادی بخش، عزت آفرین و نفی کننده خرافه‌ها پنداشتند و بدان تمایل یافتند، اما اکنون که زمان نسبتاً طولانی از پیدایش این مسلک در سرزمین وحی می‌گذرد و محصور آن برای کشورهای تحت سیطره، چیزی جز سطحی نگری، تعصب ورزی، جمود اندیشی و عقب ماندگی از غیر مسلمانان نبوده است، آشکار گردیده که این مسلک علی‌رغم تلاش برای مبارزه با آنچه خود آن را خرافه می‌داند، خودش به صورت بنیادی گرفتار باورهای خرافی سهمگین است، باورهایی که به فقر علمی و فرهنگی و اقتصادی بسیاری از کشورهای سنتی مذهب انجامیده و دست پروردگان آن به صورت القاعده و طالبان، بازیچه جریانهای پنهان صهیونیستی قرار گرفته و با اتخاذ مواضع و انجام عملیات کور و کشتارهای گروهی، مایه بدنامی اسلام و مسلمانان در سطح جهان شده‌اند.

امروز کشتن انسانها به بهانه تفاوت عقیده، یا اصطکاک منافع مذهبی - سیاسی برای اینان، آسان‌تر از هر چیز دیگری شده است و البته آمادگی برای

چنین حرکت ضد فطری و ضد طبیعی، جز از طریق تلقین خرافه به نیروهای تحت فرمان و تحت آموزش میسر نیست.

### مسئولیت حوزه‌های علمی در قبال خرافه‌گرایی‌ها

اصلاح امت اسلامی در پرتو اصلاح عالمان دینی صورت خواهد گرفت و اصلاح عالمان دینی، راهی جز اصلاح حوزه‌های علمی ندارد؛ زیرا حوزه مصدر و نشأت‌گاه فکر و اندیشه و باور و منش و رفتار و گرایش و آرمانهای عالمانی است که در حوزه رشد می‌یابند و به اقصی نقاط کشور، بلکه اقصی نقاط عالم هجرت کرده و به ایفای مسئولیت می‌پردازند.

بسیاری از یاورهای غلط، آموزه‌ها، منشها و گرایشهای نادرستی که به صورت خرافه‌های اعتقادی و عملی در میان امت اسلامی دیده می‌شود، منشأ آن، کتاب، سخنرانی و یا مدیحه‌سرایی و مرثیه‌خوانی و موعظه‌گری فرد، یا افرادی است که جز پاره‌ای از مسائل را نیاموخته و با نگرشی سطحی به قرآن، روایات، مسائل عقیدتی چون ولایت و امامت می‌نگرند.

تکیه بر روایات ضعیف، منابع سست و غیر موثق تاریخی، عقاید افراطی و عوام‌پسند، داستان‌سرایی و نقل خوابهای بی پایه برای اثبات عقاید، یا جذب قلوب به دین و محافل دینی، بهره‌گیری از روشهای نادرست تبلیغی و بدعت‌گذاری در شعائر دینی، ترس از مبارزه یا بدعتها و خرافه‌ها و انحرافهای عقیدتی، بویژه در ساحت بزرگداشت اهل بیت - به بهانه حفظ حرکت‌های عامیانه، افراطی و سطحی، در قلمرو اظهار دینداری، همه و همه، ابعاد از عوام‌زدگی خواص در برابر جریان عمومی و تمایل جمعی به جایگزین ساختن پوسته‌ها به جای گوهر و مغز دین و دینداری است که اندیشمندان حوزه باید برای آن چاره‌ای بیندیشند. و چنانکه در آغاز این نوشته آمد، مهم‌ترین بستر رشد خرافه و

سطحی نگری در ساحت دین و اعتقادات و فرهنگ اجتماعی، جهل و ناآگاهی و فرصت طلبی و پایین آوردن حقیقت و مسخ آن در سطح رضایت عوام است.

جامعیت بخشیدن به علوم حوزوی، توجه جدی به قرآن شناسی و حدیث شناسی و شناخت تاریخ و اخلاق و علوم میان رشته ای، مقدم داشتن فقه القرآن بر فقه الاحکام، بیرون آمدن از اجتهاد مقلدانه و بی ثمر و گام نهادن در وادی تحقق اهداف دین و ترسیم جامعه برتر دینی و ارائه الگوی نمونه از تمدن اسلامی در سطح جهان، آرمانهایی است که باید در رأس آرمانهای حوزه های علمی قرار گیرد و به دنبال آن جذب و گزینش و آموزش و پرورش نیروها در ابعاد اخلاقی و اعتقادی و علمی متناسب با آن صورت گیرد، چیزی که نزدیک به سه دهه از تریون مجله حوزه تکرار شده است، ولی علی رغم همه دگرگونیها و نوآوریهای صورت گرفته در حوزه، هنوز فاصله هست ها با بایدها بسیار است.

این فاصله را زمانی می توان دریافت که مراکز فرهنگی و تبلیغی در مقام شناسایی و جذب نیروهای لازم برای مراکزی چون دانشگاه، صدا و سیما، هم اندیشی با صاحب نظران مباحث فکری و فلسفی و... برآیند، آن جاست که معلوم می شود حوزه علمی بزرگ شیعه، با همه عرض و طول، طرحی جامع و دقیق و حساب شده برای برآوردن نیازهای گسترده جامعه دینی و تربیت نیروهای مناسب نداشته و ندارد و این خود طلبه ها و محصلان و عالمان حوزوی هستند که به صورت منفرد، با احساس مسؤولیت و سلیقه و توان شخصی، گاه گرایشی را دنبال کرده و احياناً به تخصصی راه می یابند!

و این البته کافی نیست، آن هم در عصری که خرافه ها در قالب بسته های فرهنگی مدرن از جهان پرجاذبه و دجال گونه هالیوود و دستگاه های تبلیغی و مؤسسات فرهنگی سلطه جو به سوی جوامع اسلامی سرازیر شده است!

احمد ترابی

بی نوشتها:

۱. سورة اعراف، آیه ۱۵۷.
۲. العين، ج ۷ / ۱۴۷.
۳. لسان العرب، ج ۴ / ۲۲.
۴. مفردات راغب، ج ۱ / ۷۸.
۵. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱ / ۹۱.
۶. المیزان، ج ۸ / ۱۲۸.
۷. نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۴۷.
۸. سورة بقره، آیه ۷۹.
۹. سورة طه، آیه ۸۶ - ۸۸.
۱۰. سورة توبه، آیه ۳۱.
۱۱. التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۵ / ۲۰۶.
۱۲. المیزان، ج ۹ / ۲۳۹.
۱۳. سورة توبه، آیه ۳۴.
۱۴. بحار الانوار، ج ۹ / ۲۴۹.
۱۵. همان، ج ۲ / ۱۰۹.

